

ياشیل آلمان

Yaşıl alma

شعر توپلوسو *Şiir toplusu*

مجموعه اشعار

فرید جبرانگیری *Forud Cəhangiri*

www.ketab.ir

سرشناسه: جهانگیری، فرود، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: یاشیل آلمان شعر توپلوسو / yaşıl alma / فرود جهانگیری.
مشخصات نشر: بوشهر: یاشیل آلمان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص. (بخشی رنگی)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۲۲-۵-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: واژه نامه
موضوع: شعر ترکی قشقای - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۹ ج/ ۳۱۴ PL
رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشمار ملی: ۴۷۰۷۷۴۰

یاشیل آلمان

شاعر: فرود جهانگیری
ناشر: انتشارات یاشیل آلمان
طرح جلد: مرضیه ریشه‌ری
صفحه آرا: احمد شیخ زاده
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۲۲-۵-۴
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان



تلفن انتشارات: ۰۹۱۷۲۵۴۵۶۹۷

پست الکترونیکی: Email: yashilalma1393@yahoo.com

 forood_jahangiri

فهرست

۱	مقدمه
۶	قاشقای
۱۴	شیرین دیللی آنادان
۲۲	بیلمه دیم گجلی
۲۸	آل تالای آلا گوزونگ
۳۴	داییل آما
۳۸	دایحماگ
۴۰	آیشمیش ی ایشامینگده
۴۶	گلمه دینگ
۵۲	زامانلار
۵۴	گنجه
۶۰	ماذون
۷۰	وطن
۷۶	آرا دوشدو
۸۰	گلیر گجر
۸۶	گچن عمرونگ خاطره سی
۹۴	آیریلیق
۹۸	گوئی ارچین لر
۱۰۲	آیریللیغا چارا یوخ
۱۰۵	آساناک لار (بایاتی لار)
۱۱۱	بیر باغلیم لی لار
۱۲۱	لغتنامه

شعر در همه حال همچون سرچشمه ازلی در من جوشیده است. گویی از نقطه‌ای بی‌آغاز و در امتدادی بی‌پایان در من راه داشته است. بی‌شک زمزمه‌های زیبای مادرم با لالایی‌های پررینش از این نغمه‌های دل‌انگیز هستی‌ام بوده و من را از خواب و غفلت رهانیده و هیجان سرکش درونم را به خروش واداشته است. پیش از چشم و زبان، گوشه‌ایم به نجوای درونی‌ام می‌رود و آنکه که گویا نوایی در من است و مرا به خود می‌خواند. به خاطر دارم در طفولیت پیری سخندان از فامیل گاهی بر رواق منزلمان پای می‌نهاد. پیری سالخورده که یک‌بار بر مخته‌ای می‌نهاد و از سرگذشت ایل و تاریخ و کنایه‌های گذران عمر خویش به بیانی شیوا سخن می‌راند. سخنش چون قندی بر کام طوطی، بر جان تشنه من می‌شست و بی‌آنکه بداند و بدانم مرا به وادی شعر و احساس راه می‌برد. آرام، متین و پرنغز سخن می‌گفت. زبانش شیرین بود و مزین به کنایه و شعر و تمثیل. و من در پیش پای او به زانو نشسته و آنچه از دهان او می‌جوشید بر کام دل فرو می‌ریختم. شیوایی کلامش محصورم می‌نمود و به سان گنجشک‌کی افسون شده بر جای می‌ماندم و گوش

و دل و جان بر دهانش می‌دوختم. آنچه به یاد دارم
 طنین پراحساس و موزون سخنش است و آنچه بر لوح
 دلم نقش بست - که بعدها مرا به کنکاش آن واداشت -
 عبارتی آشنا بود که از زبانش بدین گونه می‌تراوید:
 "محزون... محزون... محزون... مأذون...". کیست و چیست
 این نجوای دم به دم که در درونم می‌جوشد و دمی مرا به
 خود وانمی‌گذارد؟ نام آشنای سخن پرور ایل "مأذون"
 شاعر دیرینه‌همگام و همراه کلام مردان و زنان شوریده
 ایل. همان‌هایی که زبان در دهانشان جز به سخن نغز و
 شعر تمثیل باز نشده است. شوریده‌ای از دیار سخن و
 از جنس لطافت طبیعت. مأذون و اشعارش بر من تأثیری
 شگرت داشت، و به نجوای‌های اذهانم معنایی باورپذیر
 وانهاد. در پس بار بار پاره‌ای از معمای گم شده و مجهول
 درونم نمایان می‌گشت. حقایق گنگ به هم می‌پیوست،
 قامت برمی‌افراشت و بر پایه‌های اندیشه عرفانی خویش
 به وادی عطشناک عشته راه می‌نمود. و بدین‌سان بود که
 کلام مأذون راهبر من در وادی شعر و ادب و عشق شد
 و من از دریچه نگاه او نگرش من به دنیای شعر را آغاز
 نمودم.

من فرزند طبیعتم و در وادی دو رویه‌ی اساف و خشونت‌اش
 زیسته‌ام. طبیعت در من می‌روید و من در شریان خاک
 و آب و سبزه جاری‌ام. بهار بر دیدگانم سبزه خون
 سرخ عاشقان است و زمستان شعله حرمان روزگار. در
 رگهایم رود جاریست. آفتاب از مشرق شانه‌ام طلوع و بر
 چین جبینم فرو می‌نشیند. ماه دامن از پهن‌دشت دلم
 برمی‌کشد و ستاره از برق چشمانم طالع می‌گیرد. در
 سینه‌ام کوه احساس به تپیدن برمی‌خیزد و دریا از نبض

هیجانم موج می گیرد. من زاده طبیعتم. فرزند احساس
 زمان. در اندوه گیتی گریسته و با حسرت بی کرانه اش
 زیسته ام. من وارث اندوه جهانم، همبانگ غریو شادمانه
 آزادگان. من با جهان زیسته ام، همپای بی پایان زمان.
 هم وارث رازآلود گنج احساس. چون بغض آتشین
 عاشقان. چیست در من آنچه به هشیاری سر برآورده که
 می زگردد به هر سو؟!

"وشنیده چالینیر سوزون سازلار

گۆنۆنده رزور، دویغولو یازلار

ایچیمده بیر نیمه، نج ادا سسده

آنگلام دیلیندن بئیمه، رازلار"

آنچه بر کلام در من جاریست ترجمانی است گنگ از
 ناپیدایی درونم. او نه به زبان من می گوید و نه به کلام.
 زبانش از جنس احساس است و بر من جاری می شود.
 و من در تقلاي بیان و تصویر آنچه را می گوید به تکلم
 زبان گشوده ام.

"من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش"

□ □

در طی سالیان و در مسیر شعر و شاعری از بسیاری مدد
 جسته ام و دانش آموخته ام. زحماتشان را سپاس می گویم
 و قدردان توجهاتشان هستم. دوستان و یارانی مشوقم

بوده‌اند. کسانی در تهیه و چاپ این اثر متحمل زحماتی شده‌اند. از اساتید، دوستان، یاوران و خویشان عزیزم:

اسداله مردانی رحیمی، مرحوم محمد نادری دره‌شوری (روحش قرین رحمت حق)، عوض اله صفری کشکولی، ارسلان میرزایی، فرهاد جهانگیری (برادرم)، امین جهانگیری‌نیا و همه عزیزانی که به هر طریقی یاری‌ام داده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

فرود جهانگیری / فروردین ۱۳۹۶

www.ketab.ir